

کاوش کیفی ورزش باستانی زورخانه (مطالعه موردی: ورزشکاران شهر کرمان)

داریوش بوستانی^۱ * سینا امینی زاده^۲

چکیده

هدف این مقاله، بررسی کیفی ورزش زورخانه با رویکرد آمیک و تفسیری است. ده نفر از باستانی کاران زورخانه‌های شهر کرمان در این تحقیق مشارکت کردند. تحلیل داده‌ها با بهره‌گیری روش‌شناسی کیفی نظریه زمینه‌ای، ۹ مقوله و یک مقوله هسته به دست داد. به‌طور کلی تحلیل یافته‌ها نشان داد: نفوذ ارزش‌ها و قوانین ورزش‌های نوین با ارزش‌های سنتی زورخانه، مانند عیاری، جوانمردی و پهلوانی در تقابل بوده، آنها را سست نموده و به تبع آن، کارکردهای مثبت زورخانه در جامعه تنزل یافته است، به نحوی که در حال تبدیل از یک نهاد اجتماعی - ورزشی به یک نهاد صرفاً ورزشی است. از آنجا که ماهیت زورخانه با نظام ورزش مدرن چندان سازگار نیست، نیاز جدی به تجدید نظر در سیاست‌گذاری در مدیریت این نهاد اجتماعی ضروری است.

واژگان کلیدی: زورخانه، باستانی کاری، عیاری، ارزش‌های جدید، قهرمانی و پهلوانی.

فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی • سال سوم • شماره نهم • زمستان ۹۲ • صص ۱۳۳-۱۰۹

تاریخ دریافت مقاله: ۹۲/۵/۴ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۲/۹/۱۱

۱. عضو هیئت علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه شهید باهنر کرمان و رئیس گروه پژوهشی جامعه‌شناختی مطالعات شهری - روستایی، نویسنده مسئول (email: dboostani@uk.ac.ir).
۲. دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه شهید باهنر کرمان (sinaaminizadeh@yahoo.com).

مقدمه

باستانی کاری از ورزش های کهن ایران محسوب می شود که در طول زمان دستخوش تغییراتی شده است. این تغییرات هم در حرکات ورزشی و هم در مناسک و آداب این ورزش بوده است. باستانی کاری، متناسب با زمان، از محیط تأثیر می پذیرفته است. «اصطلاح زورخانه از زور و خانه تشکیل شده است. واژه زور ممکن است به معنی قوت و نیرو باشد یا به معنی آب مقدس زور که در خانقاه می نوشیدند، با توجه به نوشیدنی های قدیم در زورخانه، شباهت زیادی بین مراسم قدح نوشی در خانقاه و زورخانه وجود دارد و تأمل در ورزش زورخانه که در آب زور و زورخانه مشترک است، قرابت زیادی بین فرهنگ مغانه (روحانیون دوران هخامنش) و فرهنگ زورخانه مشاهده می شود» (نیکوبخت، ۱۳۸۰: ۱۲۶). علاوه بر جنبه های معنوی و فضایل اخلاقی ورزش باستانی، این ورزش به عنوان نهادی اجتماعی با نقشی برجسته مطرح است. جنبه های سیاسی، مذهبی، عقیدتی، اخلاقی، عرفانی، مدیریتی، هنری، معماری، حماسی، نظامی و ادبی در آن آشکار است. با نگاهی به تاریخ متوجه می شویم که هر کدام از این جنبه ها در دورانی دارای اهمیت بوده است (همان). همان گونه که از دیدگاه نیکوبخت برمی آید، در هر دوره زمانی، ویژگی های خاصی از زورخانه بیشتر نمایان بوده است. برای مثال دوران اشکانی، پهلوانی و فتوت اهمیت بیشتری داشته است یا بعد از ورود اسلام شاهد تغییراتی هستیم برای مثال تلفیق زورخانه با آیین عیاری یا برخی مذاهب. «عیاری یکی از آیین های طبقه عوام بوده است که دارای سابقه بسیار کهن است و برخی از پیروان این آیین تحت تأثیر اسلام قرار گرفتند و این آیین را به فتوت تبدیل کردند» (عروج نیا، ۱۳۸۳: ۱).

همان گونه که تاریخ گواه این امر است، ورزش زورخانه در هر دوره متأثر از تحولات محیط اطراف خود بوده و از آن تأثیر پذیرفته است. این تأثیرپذیری امروزه با شتاب بیشتری همراه شده است. در ادوار گذشته اکثر رویدادها به غنای زورخانه کمک

کرده است، در حالی که به نظر می‌رسد ورود ورزش‌های مدرن، منجر به ضعف ارزش‌های این ورزش باستانی شده است. رد جین معتقد است: «با مشاهده‌ای ساده می‌توان نتیجه‌گیری کرد که امروزه تنها از این ورزشگاه یعنی زورخانه و نامش باقی مانده است و از جوانمردی چیزی باقی نمانده است» (Ridgeon, 2007).

در ایران تعداد زورخانه‌های فعال بالای ۳۰۰ مورد است. از این میان، استان‌های تهران، اصفهان، کرمان، خراسان، فارس، کردستان، یزد و ... به این ورزش اهمیت بیشتری می‌دهند. کرمان با دارا بودن ۵۱ زورخانه فعال در سطح استان و ۱۱ زورخانه فعال در سطح شهر، علاوه بر زورخانه بین‌المللی که در حال ساخت است، از قطب‌های این ورزش محسوب می‌شود. ورزش باستانی در استان کرمان جایگاه برجسته‌ای دارد، تا آنجا که دارای چندین عنوان قهرمانی در ورزش‌های زورخانه است. قهرمانی در سال ۸۹-۸۸ و قهرمانانی در مهارت‌های کباده، میل، چرخ، مرشدی و میانداری پرورنده است. علاوه بر این، در سطوح نونهالان و نوجوانان دارای عناوینی است. قهرمانی نونهالان، نوجوانان و قهرمانی بزرگسالان مرشدی کشوری، همچنین کسب دیپلم افتخار توسط مرشدان این ورزش در کرمان نشانگر جایگاه برجسته این ورزش در این استان است. در مجموع ۱۱۳ مدال کسب شده از این ورزش توسط باستانی کاران کرمانی، ۷۷ طلا، ۲۳ نقره و ۱۳ برنز نشان‌دهنده قطب بودن این ناحیه در ورزش باستانی است. با توجه به اهمیت این ورزش در کرمان و همچنین تحولاتی، به نظر می‌رسد در حال دگرگونی این ورزش باستانی است. مسئله اصلی پژوهش حاضر از این قرار است: تعریف و تفسیر ورزش سنتی و باستانی کاری از دیدگاه باستانی کاران کرمانی چیست؟ ورزش باستانی کاری در مواجهه با سلطه ورزش‌های مدرن و رسوخ ارزش‌های آن، دستخوش چه تحولاتی شده است؟

در عرصه جهانی، ورزش باستانی با سرچشمه و خاستگاه ایرانی شناخته می‌شود و شواهد و مدارک تاریخی این موضوع را تأیید می‌کنند. گودرزی معتقد است: «ورزش در کشور ما از ابتدای تاریخ پیدایش قوم آریا وجود داشته است و با زندگی ایرانیان درآمیخته است. وجود مفاهیم ورزشی در داستان‌های اساطیری دنیا و کشور ما مبین وجود تاریخ کهن برای ورزش و فعالیت بدنی است» (گودرزی، ۱۳۸۳: ۱۱۳). ورزش باستانی همان‌گونه که اشاره شد، در دوران‌های مختلف، تحت تأثیر وقایع و جریان‌های گوناگون قرار گرفته که به تبع آن تأثیراتی هم بر فرایند هویت‌یابی افرادی که به این ورزش می‌پردازند بر جای

گذاشته است. در فرایند هویت‌یابی ورزش باستانی، عوامل ملی، مذهبی، پهلوانی و حماسی نقش قابل ملاحظه‌ای دارند. برای مثال، شعار عیاران مشخص‌کننده برجستگی هویت عیاری آنهاست: «من مردی نداشت، فقیر و عیار پیشه‌ام، اگر نانی یابم بخورم و اگر نه، خدمت عیاری جوانمردی کنم و اگر کاری کنم، از برای نامی کنم و نه نان» (کربن، ۱۳۸۸).

باستانی‌کاران علاقه دارند هر چه بیشتر خود را به الگوهای پهلوانی، ملی، حماسی و مذهبی نزدیک کنند. برای مثال حضرت علی (ع) را به‌عنوان یک الگوی هویتی، تلفیقی از جنبه مذهبی و پهلوانی می‌دانند. انصاف‌پور اشاره می‌کند: «اینان حضرت علی (ع) را پیشوای خود می‌دانند که در عین دولت، جامه فقیران می‌پوشید و در خانه ساده زندگی می‌کرد و حتی غذایش در دوره خلافت و جهان‌داری از حد نان جو و خرما در نمی‌گذشت و آنچه هم اضافه داشت به فقیر و یتیم می‌داد و در مواقع لازم سپر بلا هم می‌شد» (انصاف‌پور، ۱۳۵۳: ۱۱۱).

گودرزی (۱۳۸۴)، عسکری نوری (۱۳۸۸) به شکل‌گیری زورخانه در طول تاریخ در قالب یک نهاد سیاسی و اجتماعی توجه کرده‌اند، همچنین تاریخچه و آداب این ورزش و وجود ویژگی‌های اخلاقی و فرهنگی را علاوه بر فعالیت‌های جسمانی توصیف کرده‌اند. کاشف (۱۳۸۰) در یک پژوهش مقایسه‌ای ورزش باستانی ایران و المپیک، به‌خصوص فرهنگ آلمانی و انگلیسی را بررسی کرده و به شرح ویژگی پهلوانی پرداخته است. کیانی (۲۰۱۱) زمینه‌های فلسفی، تاریخی و مذهبی و موقعیت کنونی این ورزش را مورد بررسی کرده است. پژوهش‌های خارجی در حوزه ورزش باستانی، بیشتر موقعیت امروزی این ورزش را مورد توجه قرار داده‌اند. کرام (۱۹۴۹) به جنبه هنری ورزش باستانی در قالب رقصی ورزشی توجه داشته است. ردجین (۲۰۰۷) تأثیر مدرنیسم بر ورزش باستانی را مورد تأکید قرار داده است. ریچارد (۲۰۰۲) نیز زورخانه را به‌عنوان نهادی اجتماعی می‌داند که بر هویت افراد جامعه تأثیرگذار است. بررسی ادبیات تحقیق، نشانگر خلأ پژوهشی در زمینه ورزش باستانی کاری، به‌ویژه به روش کیفی و عمیق است. از این رو پژوهش حاضر در تلاش است با روشی کیفی نظریه‌زمینه‌ای به‌کندوکاو این ورزش و تغییرات ایجاد شده بپردازد.

۱. روش تحقیق

پژوهش مورد نظر از روش‌شناسی کیفی نظریه‌زمینه‌ای بهره می‌برد در واقع محقق نظریه

زمینه‌ای به دنبال خلق نظریه در بررسی و مطالعه کسانی است که در فرایند کنش یا تعامل مشابه‌ای درگیرند. آنچه در نظریه‌سازی اتفاق می‌افتد نوعی استنتاج و انتزاع از یک فرایند معین و خاص است که مورد توجه محقق قرار می‌گیرد (Strauss & Corbin, 1998). آنچه در این روش اهمیت دارد، داده‌ها هستند. در واقع نکته مهم و کلیدی در نظریه‌سازی این است که نظریه از خارج به یک تحقیق تحمیل نمی‌شود، بلکه تولید شده یا متکی بر داده‌های اخذ شده از مشارکت‌کنندگان است که فرایندی را تجربه کرده‌اند (Ibid).

۱-۱. میدان تحقیق و مشارکت‌کنندگان

میدان تحقیق در این پژوهش، زورخانه‌های شهر کرمان است که بر اساس اطلاعات دبیر ورزش باستانی کرمان، ۳۰۰ باستانی کار به صورت حرفه‌ای در زورخانه‌های کرمان مشغول به ورزش هستند. مشارکت‌کنندگان پژوهش نیز ده نفر از باستانی‌کاران می‌باشند. در انتخاب مشارکت‌کنندگان، از دو راهبرد نمونه‌گیری هدفمند یعنی حداکثر نوسان و گلوله برفی استفاده شد: ۱. حداکثر نوسان یعنی انتخاب مواردی اندک اما با بیشترین تنوع، تا بدین وسیله دامنه نوسانات و تفاوت در میدان آشکار شود، ۲. نمونه‌گیری گلوله‌برفی که در این شیوه از مشارکت‌کنندگان پرسیده می‌شود که مشارکت‌کننده بعدی که پیرامون مقوله یا مفهوم مدنظر اطلاع دارد چه کسی است (فلیک، ۱۳۸۷). بر حسب نمونه‌گیری بر اساس حداکثر نوسان، مشارکت‌کنندگان از تنوع زیادی برخوردارند. آنها از زورخانه‌های گوناگون انتخاب شده‌اند، همچنین از قهرمان کشور، قهرمان جهان، قهرمان آسیا و سنین پایین و افراد مسن نمونه‌گیری به عمل آمده است. همچنین فرایند گردآوری داده برای نظریه‌پردازی که از این طریق، تحلیلگر به‌طور همزمان داده‌ها را گردآوری، کدگذاری و تحلیل می‌کند و تصمیم می‌گیرد چه داده‌هایی را گردآوری کند و در کجا به دنبال آن بگردد، در حالی که به تدوین نظریه می‌پردازد (Glaser & Stauss, 1967: 45).

۱-۲. ابزار جمع‌آوری اطلاعات

ابزار جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش مصاحبه عمیق است. مصاحبه با مشارکت‌کنندگان در چند مرحله و از چهل و پنج دقیقه تا یک ساعت و نیم به طول انجامید. ارتباط محقق با مشارکت‌کنندگان نیز در طول پژوهش برقرار بود تا به هنگام نیاز

برای حصول اعتبار و همچنین اشباع نظری به آنها مراجعه گردد. سه نوع مصاحبه کیفی و عمیق محور جمع آوری داده‌ها قرار گرفت که عبارتند از: ۱. مصاحبه گفتمانی غیررسمی، ۲. رویکرد راهنمای عمومی مصاحبه و ۳. مصاحبه باز استاندارد. بر این اساس در تحقیق حاضر هر سه رویکرد پیشنهادی پاتن به ترتیب زیر استفاده شد: در آغاز کار برای دستیابی به مفاهیم و مقوله‌ها از رویکرد مصاحبه گفتمانی غیررسمی استفاده شد. پس از اینکه مفاهیم و مقوله‌های اولیه آشکار شدند، با استفاده از رویکرد راهنمای عمومی مصاحبه، مقوله‌ها و مفاهیم در فرایند مصاحبه پیگیری شدند. این امر در راستای نمونه‌گیری نظری نیز انجام می‌شود و با ماهیت روش نظریه بنیانی سازگاری بالایی دارد. پس از اینکه خطوط کلی مصاحبه‌ها به وسیله مفاهیم و مقوله‌ها شکل گرفتند، سؤالات باز، طراحی و این فرایند تا مرحله اشباع نظری ادامه یافت.

۳-۱. تجزیه و تحلیل داده‌ها

در روش‌شناسی نظریه زمینه‌ای سه روش کدگذاری وجود دارد: ۱. کدگذاری باز، ۲. کدگذاری محوری و ۳. کدگذاری گزینشی. محقق، در تدوین نظریه زمینه‌ای، با کدگذاری باز شروع می‌کند. کدگذاری باز به دنبال آن است که داده‌ها و پدیده‌ها را در قالب مفاهیم عرضه کند. عبارت‌ها یا گزاره‌ها بر اساس واحدهای معنایی دسته‌بندی می‌شوند تا مفاهیم به آنها الصاق شوند (Strauss & Corbin, op.cit). در مرحله بعد کدهای به دست آمده از کدگذاری باز که مستقیم به پرسش تحقیق مربوط می‌شوند دسته‌بندی یا مقوله‌بندی می‌شوند. مقوله‌های به دست آمده مجدد به کدهایی مرتبط می‌شوند که انتزاعی‌تر از کدهای مرحله اول هستند (ایمان، ۱۳۹۰). در واقع کدگذاری محوری، فرایند مرتبط کردن مقوله‌های فرعی به مقوله‌های اصلی‌تر را شامل می‌شود. این عمل، شامل فرایند پیچیده تفکر استقرایی و قیاسی است که طی چند مرحله انجام می‌گیرد. این فرایند شبیه به کدگذاری باز از طریق انجام مقایسه و طرح پرسش انجام می‌شود (Strauss & Corbin, op.cit). کدگذاری گزینشی که سومین مرحله کدگذاری است، کدگذاری محوری را در سطحی انتزاعی‌تر ادامه می‌دهد. در این مرحله شکل‌گیری و پیوند هر دسته‌بندی با سایر گروه‌ها تشریح می‌شود (فلیک، پیشین). در این مرحله که بسیار حساس است، محقق باید کامل با داده‌ها ارتباط برقرار کند، رابطه‌ها و پیوندهای میان مقولات را

درک و پالایش کند تا در نهایت نظریه مورد نظر استخراج شود.

۴-۱. اعتماد پذیری

برای رسیدن به قابلیت اعتماد از سه تکنیک استفاده شده است: ۱. ارزیابی توسط اعضا؛ از مشارکت کنندگان درخواست شد یافته‌های نهایی را بررسی و دیدگاه خود را بیان کنند، ۲. مقایسه تحلیلی؛ طی آن به داده‌های خام رجوع و با ساخت‌بندی نظریه مقایسه به عمل آمد و ۳. استفاده از روش ممیزی؛ طی آن چند متخصص و روش‌شناس کیفی روند کدگذاری، مفهوم‌سازی و استخراج مقولات را بازبینی و بازرسی کردند.

۲. یافته‌های پژوهش

به‌طور کلی پس از جمع‌آوری و تحلیل مصاحبه‌ها، نه مقوله به شرح زیر استخراج شد: ملی‌گرایی و حماسی، افتادگی و جوانمردی، معتمد بودن، حمایتگری اجتماعی، ساده‌زیستی، غیرتمداری، تلفیق با مذهب، تقابل قهرمانی و پهلوانی و نفوذ ارزش‌های جدید. در ادامه هر یک از مقولات مطرح و سپس توصیف مقولات به همراه نقل قول‌ها ارائه می‌شود.

۲-۱. ملی‌گرایی و حماسی

رنگ و بوی ملی و حماسی در صحبت‌های مشارکت کنندگان کاملاً آشکار است. حس ملی‌گرایی در واقع اولین نکته‌ای است که اکثر مشارکت کنندگان در گام اول به آن اشاره می‌کنند و به جنبه ملی این ورزش تأکید دارند، علاوه بر این بعد حماسی نیز مورد توجه باستانی‌کاران است. علاقه به وطن را با خواندن اشعاری حماسی در این ورزش بیان می‌کنند. برخی از محققان غربی از قبیل کرام (۱۹۹۴) نیز به این امر اذعان کرده‌اند: زورخانه یا همان خانه قدرت، یک سالن تربیت بدنی است. سنتی در ایران که در آن ورزش توأم با شعر است آن هم از اشعار فردوسی.

باستانی‌کاری از زمان‌های گذشته در ایران وجود داشته است، این ورزش، نسل به نسل انتقال پیدا کرده و در طول زمان تغییراتی نیز به خود دیده است. باستانی‌کاران معتقدند باستانی‌کاری متعلق به نیاکانشان است. از آنجا که باستانی‌کاری، به نوعی تنها ورزشی بوده که در گذشته رایج بوده، اکثراً به سمت آن گرایش دارند. سعید، از مشارکت کنندگان نقل

می‌کند: «این ورزش باستانی از زمان قدیم بوده است، از زمان پوریای ولی که ورزش می‌کردند، این ورزش از همان زمان بوده و این به صورت سلسله‌مراتب دست به دست چرخیده تا این زمان که ما داریم ورزش می‌کنیم. اکثر ورزشکاران، باستانی کار بوده‌اند، گود مقدس بوده و ورزش دیگری هم نبوده است، اول ورزش می‌کردند بعد هم کشتی می‌گرفتند، کسوت‌ها رو مشخص می‌کردند، این ورزش ملی ما بوده، ورزشی است که ما ایرانی‌ها به آن اعتقاد داریم که ورزش آبا و اجدادی ماست».

اعتقاد به ملی بودن و احساس تعلق نسبت به زورخانه در میان باستانی کاران بسیار قوی است. آنها زورخانه را همان وطن می‌دانند، احترام زیادی برای وطن و به تبع آن برای زورخانه قائل می‌شوند. علاقه به وطن را در قوانین زورخانه هم می‌توان دید، به طوری که مرشد، حتماً باید قسمتی از اشعارش در وصف وطن یعنی ایران باشد. مرشد در این زمینه می‌گوید: «این ورزش، ورزش ملی مذهبی ماست، زورخانه یعنی وطن، زورخانه یعنی ایران، هیچی بهتر از ایران خودمان نیست. من مرشدم و مرشد باید حتماً یک شیفت حماسی بخونه، آن هم در وصف ایران عزیزمان».

مرشد اشعاری را که می‌خواند، نقش بسزایی در عملکرد زورخانه دارد. اشعار مورد استفاده، غالباً اشعار حماسی است که موجب ایجاد روحیه جوانمردی و دلاوری در افراد حاضر در زورخانه می‌شود. خواندن این اشعار در هر وعده ورزش، چنان تأثیرگذار است که برای باستانی کاران درونی می‌شود. در هنگام خروج از گود و زورخانه این روحیه را با خود حفظ کرده و زمانی که وارد جامعه می‌شوند رفتار خود را مطابق با روحیه جوانمردی و دلاوری تنظیم می‌کنند. به نوعی می‌توان گفت که این اشعار برای حال و هوای زورخانه، به مثابه یک تقویت کننده روحی است. سعید در این باره می‌گوید: «اون اشعاری که مرشد می‌خونه، اشعاری که از فردوسی می‌خونه این اشعار دلاورانه اکثراً حماسی هستند. باعث می‌شه روی روحیه افراد اثر بگذاره روی روحیه جوانمردیشون اثر بگذاره، باعث می‌شه بعد از شنیدن اشعار مرشد و این روحیه‌ای که گرفتن وقتی پاشونو رو از گود می‌گذارند بیرون همین باعث می‌شه، بیرون جوانمرد باشن دست ضعیفی رو بگیرن که این اشعار مرشد اینجا خیلی مهمه. این دلاوری مثل تختی که جلو شاه وایمیسته حتی گردنشو خم نکرد جلو این شاه».

در واقع باستانی کاران توانمندی را در زور بازو و ثروت نمی‌دانند، بلکه در رعایت

اصول مردانگی و عدم ریا و کبر می‌دانند. شجاعتی درونی مدنظر باستانی کاران است شجاعت در مقابل دورویی، ریا، نیرنگ و غرور. آنها معتقدند: اگر انسان بر این موارد چیره شود خصایص مردانگی را رعایت کرده و با رعایت این اصول است که او شجاع و جوانمرد شمرده می‌شود و در جرگه باستانی کاران واقعی قرار می‌گیرد. مرشد در این باره می‌گوید: «مردانگی به قدرت و نیرو و مال نیست/ مرد آن است که درد دلی را دوا کند؛ تمام مفهوم را این بیت جواب می‌ده که اگر حرفه مردانگیه باید واقعی باشه باید راه امیرالمؤمنین باشه مردانگی که به زور بازو و مال و منال قدرت نیست، ما از مرد بودن در این ورزش به شجاعت می‌رسیم، شجاعت فقط ظاهر نیست شجاعت در یکرنگی، در عدم ریا، اینها شجاعته در تمام خصلت مردانگی».

هاشم از دیگر مشارکت‌کنندگان است که علاوه بر قهرمانی کاراته جهان، در ورزش زورخانه هم سابقه دارد. وی معتقد است که ورزش زورخانه با هویت ملی و مذهبی ما سازگاری دارد و بومی ایران است: «این ورزش این کارها یه جورایی بهمون می‌خوره ایرانیه، ملیه مال خودمونه این ورزش ملی ماست این ورزش باستانی و مذهبی ماست».

مرشد علاوه بر بعد درونی شجاعت، از بعد بیرونی آن هم سخن می‌گوید. از نظر او شجاعت یعنی ایستادگی در برابر زورگویان و دستگیری از نیازمندان. وی با زبان شعر این ویژگی‌ها را وصف می‌کند: «شجاعت یعنی: نازم آن دستی که دست زورمندان بشکند/ بشکند دستی که بازوی ضعیفان بشکند/ سنگ اگر سخت است جای شیشه سندان بشکند/ شیشه بشکستن نباشد افتخار سنگ سخت؛ شعرهای حماسی تأکید می‌کنه روی شجاعت و باعث پرورشش می‌شه».

۲-۲. افتادگی و جوانمردی

مقوله دوم، افتادگی و جوانمردی است واژه جوانمردی در عربی معادل کلمه فتی است جمع آن فتیان می‌باشد. معادل فارسی آن جوان و لاتین آن juvenis هست. این مقوله در واقع برخاسته از ویژگی‌ها و خلیقات باستانی کاران است. افتادگی و جوانمردی نه تنها در فعالیت‌های ورزشی و در گود زورخانه که به خارج از گود زورخانه یعنی به جامعه نیز سرایت کرده و تأثیرات مثبتی بر جای گذاشته است. تحلیل مصاحبه‌ها نشان می‌دهد که ویژگی افتادگی و جوانمردی در فضای زورخانه حاکم است، افرادی که به ورزش باستانی

روی می‌آورند باید این ویژگی‌ها را بپذیرند، در خود پرورش دهند و به اشکال گوناگون به آن عمل کنند؛ چه در گود زورخانه چه در میدان جامعه.

صفت افتادگی را حتی در نحوه بیان سوابق و افتخارات باستانی کاران هم می‌توان یافت تعداد قابل توجهی از مشارکت‌کنندگان، عناوین و افتخارات خود را از نازل‌ترین به بالاترین بیان می‌کردند. برای مثال مرشد نقل می‌کند: «بنده خودم مرشد تیم زغال سنگ کرمان بودم، مقام اول کشور را کسب کردیم، مرشد تیم المپیاد ایرانیان، مرشد تیم جوانان که در کشور مقام اول را کسب کردیم، نایب قهرمان مسابقات مرشدی تیمی در قزوین شدیم، امسال هم نایب قهرمانه مسابقات انفرادی، در سبزوار مشهود شدیم و مرشد تیم ملی ایران اعزامی به قطر بودم» و یا عامر از مشارکت‌کنندگان بیان می‌کند: «چهار سال زورخونه میام و سه سال عضو تیم استان هستم، سومی خردسالان بودم، اولی نونهالان، دو مقام اولی و یک دومی نوجوانان دارم، در کشور در میانداری اول بودم». در ورزش باستانی کاری تواضع جایگاه مهمی دارد. در این ورزش بر فروتنی تأکید می‌شود همان‌طور که مرشد اشاره می‌کند: «در این ورزش هرچی افتاده‌تر باشی بهتر است»، در این جا احترام به بزرگ‌ترها بسیار مورد تأکید است در واقع می‌توان گفت: پیش‌نیاز ورود به این ورزش فروتنی است. معماری زورخانه هم منطبق با این ویژگی طراحی شده است. مواردی مثل سردر کوتاه یا گود هم، نماد این فروتنی هستند. حضور در مکان زورخانه مستلزم احترام و خضوع خاصی است که فارغ از عناوین اشخاص هست.

یکی از مشارکت‌کنندگان از انطباق معماری زورخانه با صفت افتادگی می‌گوید: «برای ورود به زورخانه باید خم شی، هر کسی می‌خواهی باش، با هر شخصیتی می‌خواهی باش، باید خم شی، توی این ورزش هر چی افتاده‌تر باشی بهتره، همچنین احترام به بزرگ‌تر. آنچه توی این ورزش مهمه افتادگیه.

طراحی گود نیز بر صفت افتادگی و فروتنی تأکید دارد یک متر پایین بودن در گود دال بر افتادگی و تواضع است. پهلوان هر قدر هم که قدرتمند باشد، اما با رعایت این اصل به نوعی خود را به فروتنی و تمرین کنترل خشم عادت می‌دهد. این رفتار، تواضع در حین قدرتمندی را نشان می‌دهد، یعنی علی‌رغم قدرتمندی پهلوان و باستانی‌کار، هیچ ادعا و برتری ندارد، بلکه خود را مانند مردم عادی چه بسا پایین‌تر جلوه می‌دهد. سعید، فلسفه گود و فروتنی را این‌گونه شرح می‌دهد: «این گودی که شما می‌بینین الان ما داخلش

هستیم یک متر پایین تره، نشون می ده از همه شما که بالا نشستین افتاده تر و پایین تر هستیم هر قدم ما زور بازو داشته باشیم قدرتمند باشیم از تمام این افرادی که این بالا نشستن ما پایین تر و ضعیف تر هستیم».

اغلب باستانی کاران پیشکسوت، مورد احترام مردم هستند. این پیشکسوت ها غالباً با فروتنی، خودشان را عادی جلوه می دهند حتی در انجام ورزش هم این نکته را رعایت می کنند و در گود زورخانه حتی اگر در جای میان دار قرار نگیرند به دلیل ویژگی افتادگی، اعتراض نمی کنند. عامر می گوید: «همه فروتنن توی این ورزش، اونایی دارای کسوت هستن، در بیرون گود، مردم به عنوان کسوت دار بهشون نگاه می کنن اما در خود گود، کسوت دارها اهمیت نمی دهند به اینکه دارای کسوت هستن، بلکه مثل بقیه خودشون رو عادی فرض می کنند هیچ وقت ندیدم کسی با کسوت باشه، بگه من با کسوتم باید بالا بیستم و شما برین پایین، جوانمردی، نکته اصلی این ورزشه، در داخل ورزشم این جوانمردی وجود داره مهم ترین اصل در این ورزش همین جوانمردیه».

۲-۳. معتمد بودن

محیط زورخانه و روابط حاکم بر آن، حول محور اعتماد شکل می گیرد افراد زورخانه نسبت به هم اعتماد دارند و این حس اعتماد نسبت به پیشکسوت و پهلوان بیشتر است، دیگران خود را به نوعی مرید او می دانند در واقع پهلوان را در همه ابعاد قبول دارند سخنان و نصایح او را می پذیرند، چراکه آنها را راهگشای خود می دانند. سعید در این باره می گوید: «در میان جمع ما باستانی کاران، بزرگان ما که هستن برای من مبتدی (سعید با ۵۰ سال سن سومین پیشکسوت زورخانه) که مثلاً یک حرفی نصیحتی من رو می کنه و من چون به حرف ایشون اعتماد دارم قبولشون دارم و می فهمم ایشون هر حرفی می زنین به صلاح من می زنین و می گن این راه رو برو درسته چون من به ایشون اعتماد دارم حرفشونو گوش می کنم».

مشارکت کنندگان معتقدند: اعتماد باستانی کاران نسبت به زورخانه و به تبع آن پهلوان تا آنجاست که برای آن جایگاه والای معنوی قائل می شوند و معتقدند که دعای پهلوان، مقبول درگاه خداست. از آنجا که پهلوان اصول و خصایل مردانگی را رعایت می کند و کبر و غرور و دورویی نیز در خلیقات او جایی ندارد نزد خداوند محبوب است، این

محبوبیت حاصل رعایت اصول مردانگی و انجام کارها برای رضای خداوند است. اگر کاری را پهلوان برای خدا انجام دهد، نه از روی کبر و غرور و ریا، خداوند او را امین مردم جلوه می‌دهد. مرشد در این زمینه می‌گوید: «قدیم مریض می‌آوردن، پهلوان براشون دعا کنه اینقدر اعتماد به دعای پهلوان بود، پهلوان اگر خصلت مردانگی رو رعایت کند مورد اعتماد می‌شه کبر و غرور رو کنار بگذاره. ماه پشت ابر نمی‌مونه اگر کار برای رضای خلق بکنید می‌مونی، آقای تختی ماند، پوریای ولی ماند، برا ریا نبودن شما برای رضای خدا کار بکنید خدا مهر تو در دل همه قرار می‌ده شما خصلت مردانگی رو رعایت کن بهت اعتماد می‌کنه».

به دلیل جو حاکم بر فضای زورخانه، وجود اصول مردانگی و پهلوانی و سنت امانتداری در میان آنها رشد یافته است. امانتداری هم در جنبه مادی و هم در جنبه معنوی آن آشکار است جنبه مادی از سپردن یک شیء شامل می‌شود تا پول، اما جنبه معنوی آن سپردن خانواده است، ارزش این به مراتب بیشتر از امانتداری مادی است و پهلوان آنقدر در میان مردم مورد اعتماد است که او را به عنوان یک امانتدار واقعی می‌پذیرند. عامر در زمینه رعایت امانت می‌گوید: «امانت دادن، یک چیزی می‌دی بهشون، موقع تحویل سالم بهت برمی‌گردونن». سعید، نیز بخش دیگری از سنت امانتداری را روایت می‌کند: «حالا بیرون از زورخانه مثلاً توی یکی محل طرف پهلوانه، زورخانه کاره و یک اهل محل ایشون را می‌شناسند و بهش اعتماد دارن طرف هست، مثلاً می‌خواد بره مسافرت کلید خونه خودشو می‌سپاره دست پهلون می‌گه آقا این کلید خونه ماست». حمید معتقد است که بعضی از افراد در موقع سفر خانواده‌هایشان را به دست پهلوان می‌سپردند به علت اعتماد زیادی که به پهلوان داشتند: «هر کسی می‌خواست بره سفر خونوادشو می‌داد دست پهلوان». مرشد نیز در این باره می‌گوید: «مرد اگر می‌خواست بره سفر، زن و بچه شو می‌داده دست پهلوان محل، اینقدر به پهلوان اعتماد بوده».

۲-۴. حمایتگری اجتماعی

مراد از حمایتگری اجتماعی، مجموعه‌ای از فعالیت‌هایی است که افراد زورخانه‌ای و باستانی کار، در جامعه برای حمایت از افراد دارای مشکل چه به صورت فردی، در قالب خلیقات پهلوان، چه به صورت جمعی (گلریزان، پا باز کردن) انجام می‌دادند. حمایتگری از

درون زورخانه شروع می‌شود و به بیرون سرایت می‌کند. حمایت درونی، زمانی است که برای مثال پهلوان در گود چرخ می‌زند، افراد دور او حلقه می‌زنند تا اگر مشکلی برای فرد پیش آمد به او کمک کنند که به زمین نخورد. این امر نمادی از حمایت است که در این مکان تمرین می‌شود تا افراد آن را در زورخانه و حتی جامعه، سرلوحه کار خود قرار دهند. یکی از مشارکت‌کنندگان می‌گوید: «زورخانه یعنی برادری، زورخانه کارها برادران، چون داریم یک درس واحد یاد می‌گیریم، فتوت و جوانمردی، چون باید دست هم رو بگیریم. توی زورخانه وقتی که میری توی گود داری چرخ می‌زنی دورت حلقه می‌زنن نخوری زمین دستتو می‌گیرن این بیرونم باید اجرا شه».

زورخانه در گذشته به‌عنوان پاتوق یا لنگرگاه عیاران محسوب می‌شد، که در آن به بحث و تفکر و همچنین اقداماتی جهت کارهای عام‌المنفعه می‌پرداختند. امروزه هم افرادی که در زورخانه حاضر می‌شوند در خارج از گود مراوده‌هایی با هم دارند. از آنجا که باستانی‌کاران از هر قشری از جامعه هستند از قبیل، بازرگان، افراد تحصیلکرده، دارای موقعیت‌های شغلی پرنفوذ و غیره این تنوع افراد با مناصب گوناگون کار کمک‌رسانی و حمایتگری را تسهیل می‌کند. سعید در این زمینه می‌گوید: «توی گود زورخانه که الان ما هستیم همه جور شغلی بینمون هست، یکی آزاده یکی اداره‌ای هست؛ مثلاً رئیس یک جایی هست، اینجا مشکلی پیش بیاد با هم صحبت می‌کنیم سفارششو می‌کنیم کارشو انجام می‌دیم اینجوریم هست».

جو زورخانه، فضایی حمایتی ایجاد کرده است، علاوه بر اینکه خود افراد زورخانه‌ای زیر این چتر حمایتی قرار می‌گیرند، این سلوک به درون جامعه هم نفوذ کرده است. این حمایت‌ها در قالب تحت پوشش گرفتن نیازمندان به‌خصوص کودکان بی‌سرپرست، یتیمان یا خرید دارو برای بیماران و غیره است. اما نکته مهم این است که این کمک‌ها به‌صورت مخفیانه انجام می‌شود، یعنی فرد کمک‌کننده به‌دلیل جوانمردی رضایت ندارد که دیگران متوجه حمایتگری او بشوند حتی نمی‌خواهد افراد تحت پوشش او هم متوجه این امر شوند؛ این سنت را به تبعیت از حضرت علی (ع) به جای می‌آورند. این فرهنگ کمک‌رسانی در خود زورخانه و میان باستانی‌کاران بسیار شایع است. حمید در این رابطه می‌گوید: «الان هم توی زورخانه کسانی هستن تحت پوشش قرار دادن افرادو، بهشون نون می‌دن، اما لو نمی‌دن تا وقتی نمیرن نمی‌فهمی کیا بودن این حضرت علی (ع) بود تا نمرد یتیمان نفهمیدن

علی بوده این فرهنگ و کمک که می‌گم توی زورخانه هست این رو بیرونم میارن و بین مردم هم مرامی رفتار می‌کنند کسی مریض می‌شه پول می‌دن دارو می‌خرن». حمایتگری اجتماعی در زورخانه اشکال گوناگونی دارد، قالب اصلی آن گلریزان است که گسترده شده است. هرچند این شاخه‌های گوناگون، اسمی ندارند در واقع نوعی کمک کردن است، اما کاملاً واضح است که از دل مراسم و فرهنگ گلریزان بیرون آمده است. در واقع حمایتگری محدود به منطقه یا افراد خاصی نیست، بلکه با توجه به جهانی شدن و اطلاع از مشکلات سایر انسان‌ها در دیگر کشورها نیز اقداماتی صورت می‌گیرد. حمید در این باره می‌گوید: «گلریزان مثل قدیم نیست، شاخه دار شده، مثل قدیم یک جور نیست، ما کمک می‌کنیم به زلزله زدگان سومالی، بم و افراد بیماری خاص مثل تالاسمی، سرطان و چیزهایی شبیه به این».

کمک گلریزان با هماهنگی پهلوان صورت می‌گیرد. کمک‌ها هم به صورت پنهانی انجام می‌گرفته است که ریا نشود و اصول جوانمردی رعایت شود. مرشد می‌گوید: «درمانده بود، ورشکست بود، مشکل داشت مشخص بود می‌اومدن به پهلوان می‌گفتن، می‌اومد برنامه گلریزان رو اجرا می‌کرد در زورخانه و پنهانی می‌آمدن پول می‌دادن، یک لنگی می‌دارن وسط، هر کس می‌اومد بی‌ریا می‌رفت می‌گذاشت». مشارکت‌کننده دیگری می‌گوید: «مثلاً کسی مشکل داشت اهالی اون جمعو دعوت می‌کردن یا افرادی که می‌شناختن یا از لحاظ مادی بهتر بودن که هنوزم تو زورخونه انجام می‌شه که اصطلاحاً بهش می‌گن گل‌ریزون که میاد هر کسی که کمکی داشته باشه، کمک‌ها رو به صورت مخفیانه جمع می‌کنن می‌دن به اون فردی که مشکل داره».

زورخانه به ایجاد یک فضای حمایتی در میان افرادی که ورزش زورخانه را انجام می‌دهند کمک می‌کند، این جو حمایتی در قالب کمک‌هایی تقویت می‌شود. حال این کمک‌ها به صورت آشکار و یا پنهان انجام می‌شود. اما به نظر می‌رسد کمک به صورت پنهانی بیشتر اهمیت دارد، زیرا بیشتر به الگوی آنها یعنی، علی (ع) نزدیک‌تر است. کمک‌های دیگر در قالب رسوم گوناگون مثل گلریزان که امروز هم دارای شاخه‌های گوناگون شده و هم دامنه‌اش از سطح محلی فراتر رفته و به سطح جهانی رسیده که می‌توان گفت متأثر از جهانی شدن است.

۵-۲. ساده‌زیستی

منظور از ساده‌زیستی، همان سادگی در پوشش، رفتار و زندگی ورزشکاران باستانی است. هانری کربن نیز به این خصیصه در میان عیاران اشاره می‌کند: «شعار عیاران این بوده است که من مردی ناداشت، فقیر و عیار پیشه‌ام، اگر نانی یابم بخورم واگر نه، خدمت عیاری جوانمردی کنم و اگر کاری کنم از برای نامی کنم نه نان» (کربن، ۱۳۸۳). در واقع باستانی‌کاران در بسیاری از موارد از جمله در ساده‌زیستی، حضرت علی (ع)، تختی و پوریای ولی را الگوی خود در زندگی قرار می‌دهند. یکی از مشارکت‌کنندگان می‌گوید: «در زورخانه، ما ساده زندگی کردنو از مولای متقیان علی (ع) یاد می‌گیریم و باستانی‌کار معمولاً ساده‌تر از بقیه است». باستانی‌کاران تجمل‌گرایی و مدگرایی را به گونه‌ای ریاکاری می‌دانند و سعی می‌کنند از این امور به واسطه این که ریا می‌باشد، دوری کنند و از سوی دیگر آن سادگی را امتیاز تلقی می‌کنند، سادگی نه تنها در پوشش، بلکه در زندگی و وسایل منزل را هم رعایت می‌کنند. یکی از مشارکت‌کنندگان به نقد پوشش ورزشکاران سایر ورزش‌ها می‌پردازد و بر ساده‌زیستی پهلوانان تأکید می‌کند: «این فوتبالی‌ها رو دیدین شلوار لی می‌پوشن، تی شرت عجق و جق، ما اینجور نیستیم توی این ورزش، پوشش، ساده است وسایل خونه آنها ساده است مدگرا نیستن، باستانی‌کار نباید ریاکار باشه، توی ورزش‌های دیگر ریاکاری هست». هاشم قهرمان کاراته می‌گوید: «زورخانه کارها ۹۰ درصد ساده‌اند، یاد گرفتن که ریا نکنن». مرشد می‌گوید: «مهمان را در خانه هر چه هست، همان را بس است، حتی نون و ماست».

یکی از مشارکت‌کنندگان که قبلاً فوتبالیست بوده است، اذعان می‌کند که بعد از آمدن به زورخانه، با سادگی و ساده‌زیستی روبه‌رو می‌شود و از آن موقع، پوشش و رفتار خودش را با زورخانه هم‌نوا می‌کند: «خیلی‌ها بودن قبل از این که بیان زورخونه تیپ و شخصیت و اخلاقشون فرق می‌کرده، اما الان اومدن توی زورخانه، دیدن همه چیز معمولیه و ساده هست، تیپ و شخصیتشون کاملاً عوض شده، من خودم قبلاً فوتبال می‌رفتم، از وقتی اومدم زورخونه عوض شدم». در واقع سادگی، یک الگوی رفتاری است که به شکل یک فشار هنجاری عمل کرده و افراد هنجار شکن نمی‌توانند در آن قرار بگیرند. حمید اشاره می‌کند: «کسی با تیپ ناجور بیاد این زورخونه کارها به رسمیت نمی‌شناسنش توی زورخانه».

۶-۲. غیرتمداری

غیرتمداری، مقوله دیگری است که تأکید بر اهمیت ناموس و رعایت اصول اخلاقی نسبت به جنس مخالف دارد. گاسپار دوویل در سفر نامه خود به ایران می‌نویسد: «عملیات ورزش و پایکوبی در بین ایرانیان بسیار مورد توجه است، ورزشکاران ایران ازدواج نمی‌کنند (این مورد بین همه ورزشکاران عمومیت نداشته است) ولی هرگز با زنی نزدیکی نمی‌کنند» (اربابی، ۱۳۹۰: ۴۲۲).

در هنگام مصاحبه با حمید وقتی که محور بحث، ناموس بود با حرارت سخن می‌گفت و خودش هم که قبلاً فوتبالیست بوده، از فوتبالیست‌ها و جو حاکم بر این ورزش اظهار نارضایتی کرده و معتقد بود که فوتبالیست‌ها اصول اخلاقی را رعایت نمی‌کنند. وی معتقد بود که ناموس در زورخانه دارای جایگاه مهمی است. اما فوتبالیست‌ها به آن احترام نمی‌گذارند: «زورخونه‌ای این جور آدم‌هایی نیستن روی ناموس، زورخونه‌ای کلاً حساسن».

هاشم، داشتن رابطه با جنس مخالف را رد نمی‌کرد. اما آن را در چارچوب اخلاقی قرار می‌داد، به گونه‌ای که رعایت اصول جوانمردی، مردانگی و غیرتمداری حفظ شود: «به جنس مخالف بالاخره گرایش هست، اما اونطور که بگی، نامردی و تجاوز می‌بینی نیست، زورخونه‌ای‌ها مرام دارن».

باستانی کاران، خود را امین ناموس مردم می‌دانند. مرشد می‌گوید: «نباید به ناموس دیگران نگاه کرد، ورزش زورخانه ناموس پرسته، زورخانه کار باید امین ناموس مردم باشه». عامر قهرمان کشور نیز چنین می‌گوید: «آدم نباید به ناموس مردم نگاه کند، ما زورخانه کارها به ناموس مردم نگاه نمی‌کنیم، بی‌احترامی به کسی نمی‌کنیم».

وجود نام ائمه (ع) و همچنین وجود روحیه جوانمردی و پهلوانی در میان باستانی کاران موجب احترام به ناموس می‌شود، چراکه ائمه (ع) به ناموس احترام می‌گذاشتند و آن را محترم می‌شمردند، دین هم در اینجا حضور پیدا می‌کند که رابطه خارج از اخلاق را نهی می‌کند، همه این موارد با هم موجب می‌شود که ناموس، مقوله‌ای شود مورد احترام در میان باستانی کاران و آنها حمایت از ناموس خودشان یا دیگران را مورد در اولویت قرار دهند. سعید می‌گوید: «توی این گود همه‌اش داریم از علی (ع) و ائمه اطهار (ع) حرف می‌زنیم و چون اینها خودشون به ناموس احترام می‌ذاشتن و ما هم

چون صحبت از اینها می‌کنیم و از جوانمردی حرف می‌زنیم خواه ناخواه این روحیه دفاع از ناموس در ما شکل می‌گیرد، حالا ناموس خودمون باشه یا ناموس غریبه، ناموس دیگران مثل ناموس خودمونه فرقی نداره». این ویژگی، نوعی خودکنترلی در باستانی کار ایجاد کرده است که هماهنگ با ویژگی‌های عیاری، افتادگی و حمایتگری اجتماعی است.

۲-۷. تلفیق با مذهب

در زورخانه همان‌طور قبلاً اشاره شد، همذات‌پنداری‌ها و ذکرهای مذهبی رایج است، از نام خدا گرفته تا ذکر ائمه (ع) و این بخشی جداناپذیر از این ورزش شده است. اما در سایر ورزش‌ها این ذکرها و نشانه‌های دینی به این وضوح مشاهده نمی‌شود. مرشد می‌گوید: «در این ورزش با نام الله و امیرالمؤمنین (ع) وارد می‌شویم و با نام امام زمان (عج) خارج می‌شویم».

در بعضی از زورخانه‌ها جملات و اشعار بر روی دیوار آنها نوشته شده است جمله «بلوچ نامرد نیست» به نوعی نشانگر تاریخ سیستان در رسم عیاری است. به دلیل قرابت زیادی که باستانی کاران میان اصول پهلوانی و جوانمردی با حضرت علی (ع) می‌بینند و از آنجا که علی (ع) به آنها از لحاظ اعتقادی نزدیک هست ارادت بیشتری نسبت به او دارند تا جایی که گود زورخانه و راه رسم زندگی را به خانه علی (ع) و رهرو علی (ع) بودن تشبیه می‌کنند. این ورزش قوانین جهانی دارد که مسلماً فدراسیون متناسب با الگوهای بین‌المللی تنظیم کرده است. برای مثال قانونی وجود ندارد مبنی بر اینکه یک باستانی کار غیرمسلمان حتماً با غسل یا وضو وارد گود شود اما این قوانین نانوشته در خود زورخانه رعایت می‌شود. این مسائل معنوی در بعد جهانی، فرع محسوب می‌شوند، اما از دید خود باستانی کاران اصیل و ایرانی این اخلاقیات و اعتقادات هستند که در محور قرار می‌گیرند. طبق گفته مشارکت‌کنندگان، پهلوانی به زور نیست و برتری را به اصول حرفه‌ای و ورزشی نمی‌دهند، بلکه اصل بر رعایت قوانین نانوشته یعنی همان اصول اخلاقی و معنوی توسط باستانی کاران است. مرشد می‌گوید: «گود، خانه حضرت علی (ع) است، مهم‌ترین اصل اینه که ناپاک نباید وارد بشی، آدم جنب و آدم مست نمی‌تواند وارد شود باید حتماً با وضو وارد شد». حمید هم می‌گوید: «از اولش که وارد می‌شی با اسم ائمه (ع) و ذکر صلوات وارد می‌شی و با دعای امام زمان خارج می‌شی، زورخانه همش ذکر ائمه (ع) و صلواته،

ورزش‌های دیگر یکی از این حرفا داخلش نیست زورخونه مسجد دومه». هاشم هم بیان می‌کند: «چون ذکر صلوات و ائمه (ع) اونجا هست نسبت به ورزش‌های دیگر اخلاقیاتشم خاصه حرمت داره».

جایگاه مذهب در زورخانه به گونه‌ای است که این مکان را مقدس نشان می‌دهد. قداست قائل شدن برای گود، تا جایی است که برای آن نیرویی ماورایی قائل می‌شوند که قادر به حل مشکلات و رفع بلاها هم است. مرشد این گونه توضیح می‌دهد: «گر مریضی را جوایش کرده دنیای طیب/ از برای درد به درمان دوا دارد هنوز. اگر مریضی بوده که ناعلاج بوده می‌آوردن زورخانه گوشه گود شفا بگیره».

در مجموع، زورخانه هم به عنوان مسجد دوم مطرح است و هم به عنوان خانه حضرت علی (ع)، جایی است که داشتن وضو لازم است و اصل طهارت پیش‌نیاز ورود به زورخانه است، به نوعی اعتقادات دینی در آنجا حکمفرماست. افرادی که در زورخانه حضور پیدا می‌کنند، دارای هویت مذهبی برجسته‌ای هستند. رعایت این قوانین نانوشته معنوی و اخلاقی برایشان اهمیت دارد و به نوعی روح این ورزش یکی از عوامل اصلی درک تفاوت این ورزش با سایر ورزش‌ها است.

۸-۲. تقابل قهرمانی و پهلوانی

تقابل قهرمانی با پهلوانی یکی از مقولات مهمی است که نشانگر تغییر و تحولات در ورزش زورخانه است. آنچه استنباط می‌شود، این است که قهرمانی و پهلوانی دارای نقاط مشابه و تفاوتی هستند. در واقع تفاوت عمده ورزش باستانی با سایر ورزش‌ها در زمینه اخلاق و رفتار است.

تحلیل مصاحبه‌های مشارکت‌کنندگان نشان داد که امروزه جو پهلوانی و زورخانه با ایجاد فضای قهرمانی ضعیف شده است. پهلوانی و جوانمردی مثل گذشته برجسته نیست. ویژگی بارز زورخانه، که خصلت‌های پهلوانی بوده، کمرنگ شده مرز میان زورخانه و سایر رشته‌های ورزشی کمرنگ شده است. مرشد معتقد است: «الان این قهرمانی که آمده پهلوانی ضعیف شده، فوتبال چیه؟ همه دنبال پول هستن، مردانگی و همه چیز رو فراموش کردن قهرمانی هم توی زورخانه مثل فوتبال داره غوغا می‌کنه».

به نظر می‌رسد جو رقابت و قهرمان شدن که در حال سلطه بر فضای زورخانه است

هر روز جای بیشتری به خصوص در میان جوانان باز می‌کند و از جوانمردی، فقط اسمی باقی مانده است. حمید در این باره می‌گوید: «زورخانه داره با سیلی صورت خودشو سرخ نگه می‌داره». هاشم نیز به جو رقابت جهانی اشاره می‌کند که باعث تحول زورخانه شده است: «این زورخانه، زورخانه قدیم نیست الان رقابت آمده بینشون مسابقات جهانی، بین‌المللی».

آنچه برای برخی از مشارکت‌کنندگان نگران‌کننده بود، جو زورخانه است که رقابت وارد آن شده است و به نظر می‌رسد نسل به نسل تشدید می‌شود. کودکان و خردسالانی که وارد این فعالیت می‌شوند از همان ابتدا با فضای رقابت و تلاش برای عنوان قهرمانی آشنا می‌شوند و برخلاف قدیم که جو جوانمردی و پهلوانی را می‌دیدند و یاد می‌گرفتند. کودکان در زورخانه امروز الگوی خود را قهرمان قرار می‌دهند تا پهلوان. حمید می‌گوید: «الان بچه ۱۰-۹ ساله میاد عضو تیم خردسالان می‌شه این بچه از همون اول رقابت دیده یعنی می‌گم بچه میره توی فاز قهرمانی، بچه همش رقابت دیده مثل قدیم که روحیات پهلوانی ندیده».

با حاکم شدن فضای قهرمانی در زورخانه مدال و مادیات، هم کم کم جای خود را باز می‌کند و به نوعی ارزش‌های زورخانه یعنی جوانمردی و فتوت (سادگی، عدم لذت‌طلبی، کثیر طرد بودن) نیز تحت شعاع قرار می‌گیرد. به نظر می‌رسد امروزه قهرمانی در ذهن باستانی کاران بیشتر جا باز کرده است و مورد نظر است. در واقع علاقه به قهرمان شدن و رسیدن به رتبه و مقام، اولویت بیشتری دارد تا گرفتن لقب پهلوان. قهرمانی بخش مهمی از مشغله ذهنی باستانی کاران شده است. عامر می‌گوید: «الان قهرمانی اومده الان هرکسی توی ذهنش قرار گرفتن روی سکو مهمه می‌خواد به هر نحوی قهرمان بشه قدیم می‌گفتن پهلوانی بهتره اما الان باید بگم قهرمانی».

از دیدگاه مشارکت‌کنندگان در سلطه این جو رقابتی و قهرمانی، عملکرد فدراسیون نیز به نحوی مؤثر است. فدراسیون جوانان را برای قهرمان شدن تشویق می‌کند و به جای توجه به اصول پهلوانی به قهرمانی می‌اندیشد: «این فدراسیون توجهش همش به این قهرمانی و اینهاست و اصلاً به مسائل دیگر توجهی نداره».

مشارکت‌کنندگان معتقد بودند که در گذشته مرزی میان بزرگ‌تر و کوچک‌تر قائل می‌شدند و پیشکسوتان مورد احترام بودند، الگو بودند، اما امروز افرادی که به زورخانه

می آیند به خصوص جوانان کمتر به دنبال احترام نسبت به پیشکسوتان هستند در بیشتر موارد توجه آنها به کسب مدال و عنوان، جلب شده است. دیگر به دنبال فهم مردانگی و مروت نیستند. سعید در این زمینه می گوید: «قدیم چهار نفر بزرگ تر بود احترام همدیگر را داشتند الان جو طوری شده که قهرمان پرور شده چهارتا جوون می آیند برا مدالی کسب کنند، ولی اینکه بیان یک چیزی از بزرگ تر یاد بگیرن جوانمردی چیه مردونگی چیه اینجور نیستن اما الان کمرنگتر شده زمان قدیم بچه را نمی دادن معتقد بودن چیزی نمی فهمه زمان حالا این بچه باید برای آینده این ورزش رو یاد بگیره».

به طور کلی با سلطه فضای قهرمانی و مادیات، جو پهلوانی زورخانه در حال تضعیف شدن است. همچنین ورود کودکان با تفکر قهرمانی به این امر دامن می زند و از سوی دیگر ساختار و برنامه های فدراسیون که معطوف به سیستم ورزش مدرن است موجب بی توجهی به ساختار و ارزش های سنتی این ورزش گشته و به تخریب جو زورخانه دامن زده است.

۹-۲. نفوذ ارزش های جدید

در این مقوله به ارزش هایی اشاره می شود که به تدریج جای ارزش های گذشته را می گیرد. تحلیل مصاحبه ها نشان داد که سلطه ارزش های جدید نگرش های جدید را به همراه آورده است. عامر که جوان ترین مشارکت کننده است، با اشاره به اوضاع اقتصادی، اذعان می کند که پول در قهرمانی است و نه پهلوانی: «الان با این وضع اقتصادی خب آدم برود سمت قهرمانی پول گیرش میاد اما پهلوانی نه».

مرشد نیز متوجه تفاوت میان نسل جدید و قدیم شده است. او معتقد است که جو کنونی بسیار متفاوت است. جوانانی که به این ورزش روی می آورند از لحاظ فکری و اخلاقی از قدیمی ها متفاوتند. در گذشته پیشکسوت ها از روی عشق و علاقه و نه برای درآمد و ثروت در زورخانه حضور می یافتند، اما امروزه جوانان به مسائل مادی، رتبه و مدال اهمیت می دهند: «کاری به پول نیست ورزش باستانی، عشق به وطن و پهلوانی و مردانگی بهتره، الان اون کسایی میان زورخونه اصلاً متفاوتند از این قدیمیا این جدیدیا اصلاً تو خط قدیمیا نیستن فکرشون، مرامشون و اخلاقشون. قدیمیا از روی عشق میان اما جدیدیا برای رتبه و مدال میان». آنچه مسلم است تضعیف اصول پهلوانی در ورزش

زورخانه است که به تبع آن اصول اخلاقی و ارزش‌هایی از قبیل احترام هم تضعیف می‌شود. هاشم نفوذ ارزش‌های جدید را این‌گونه شرح می‌دهد: «بین کم کم اون بوی پهلوانی داره از زورخانه کم می‌شه، هر چی داریم وارد نسل جدید می‌شیم این پهلوانی داره کمتر می‌شه، الان بد شده، اگر زورخونه مثل قدیم بود خیلی خوب بود اخلاقی بود حرمتی بود، الان پولیه، آدم‌هایی هستن هر جا پول بیشتر بدن می‌رن اونجا».

چنین جوی مورد پسند ورزشکاران باستانی و زورخانه‌ای‌ها نیست. آنها معتقدند که حرمت‌ها و اصول اخلاقی کمرنگ شده است. هاشم که خودش قهرمان کاراته است نگران این وضعیت زورخانه است. وی اشاره می‌کند: «قدیما اون موقع پیشکسوت حرفی می‌زد رو حرفش حرفی نمی‌زدن می‌گفتن بنده خدا خاک گود رو خورده اما الان چی؟».

سلطه ارزش‌های جدید، پیامدهایی از جمله ضعف اعتماد و کمرنگ شدن اصول جوانمردی را در پی دارد در واقع می‌توان وضع موجود را همچون بازی دومینو تصور کرد که افتادن یک قطعه منجر به افتادن سایر قطعه‌ها می‌شود. حمید در مورد ضعف ارزش‌های پهلوانی می‌گوید: «قدیما اطمینان بوده زن خودشو می‌داده دست پهلون اما الان دیگه اینجور نیست اون حرفا دیگه نیست، از بین رفته». به‌طور کلی، روندی که نسل جدید دنبال می‌کند شهرت‌طلبی و ثروت‌اندوزی است. عامر معتقد است: «الان بهت بگن قهرمان فلان رشته‌ای بیشتر جلب توجه می‌کنه تا بگن پهلوان، اصلاً پهلوان جلب توجهی نداره».

۳. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

به‌طور کلی می‌توان چنین استنتاج کرد که زورخانه به‌مثابه یک نهاد ورزشی و اجتماعی دارای کارکردهایی بوده و در گذر زمان متأثر از محیط خود بوده است. در این پژوهش در پی درک فضای سنتی ورزش باستانی کاری و زورخانه و همچنین فهم و توصیف تغییرات این نهاد اجتماعی با به‌کارگیری روش‌شناسی نظریه زمینه‌ای، نه مقوله استخراج شد که عبارتند از: ملی‌گرایی و حماسی، افتادگی و جوانمردی، معتمد بودن، حمایتگری اجتماعی، ساده‌زیستی، غیرتمداری، تلفیق با مذهب، تقابل قهرمانی و پهلوانی و نفوذ ارزش‌های جدید. مقوله ملی‌گرایی و حماسی بر هویت ملی مشارکت‌کنندگان دلالت دارد و همچنین نشان از ملی بودن و بومی بودن این ورزش دارد. از آنجا که بعد ملی با اسطوره‌های شاهنامه پیوند خورده است، اشعار فردوسی جایگاه مهمی در زورخانه دارند. این اشعار حس شجاعت و غرور را در باستانی‌کاران ایجاد می‌کنند، به نوعی این حس در

باستانی کاران درونی می‌شود و به شکل خاص آنها را جامعه‌پذیر می‌کند. افتادگی و جوانمردی که از محورهای اساسی زورخانه محسوب می‌شود و بخشی از هویت برجسته باستانی کاران را شکل می‌دهد. ویژگی افتادگی در زورخانه در قالب رفتار زورخانه کاران و در قالب مناسک زورخانه کاملاً جا باز کرده است. معتمد بودن به‌عنوان یکی دیگر از خصیصه‌های باستانی کاران است که در تعامل مثبت با جامعه و همچنین سایر باستانی کاران به وجود آمده است. باستانی کاران همواره امانتداران معتمدی بوده‌اند، به نحوی که برخی افراد در هنگام مسافرت، حتی خانه و خانواده‌شان را به دست آنها می‌سپردند. مقوله حمایتگری اجتماعی نشان دهنده سنت کمک‌رسانی و حمایتی زورخانه است؛ هم در قالب سنتی و هم جدید آن. کمک‌رسانی در زورخانه امروزه در به دو شکل انجام می‌گیرد: یکی به شکل گلریزان که شامل رعایت آداب و رسوم زورخانه‌ای در کمک رساندن می‌شود و دیگری به شکل نوین آن که دیگر به رعایت آداب زورخانه‌ای توجه نمی‌شود، اصولاً کمک به شکل ساده و مستقیم یعنی پرداخت نقدی انجام می‌گیرد. همچنین کمک‌ها دیگر در محیط زورخانه و میان اعضا نیست، بلکه شامل کمک به بیماری خاص و زلزله‌زدگان و غیره در سراسر جهان می‌شود.

پهلوانان در ساده‌زیستی از حضرت علی (ع) و پهلوانانی چون پوریای ولی و تختی الگو می‌گیرند و برای همذات‌پنداری با این الگوها سنت ساده‌زیستی را در پیش می‌گیرند. در این ورزش نسبت به سایر ورزش‌های دیگر به دلیل خصلت‌های پهلوانی و فضای مذهبی آن همچنین الگوپذیری از اسطوره‌ها، زورخانه کاران نسبت به جنس مخالف حساس بوده برای آنها احترام قائل می‌شوند. احترام به زنان، محدود به خویشاوندان نمی‌شود، همه زنان را به‌طور عام شامل می‌شود. آنها تمامی اصول اخلاقی را رعایت کرده و خود را امین ناموس مردم می‌دانند.

تقابل قهرمانی و پهلوانی مقوله‌ای است که نشان می‌دهد: جو پهلوانی با توجه به ظهور پدیده‌های جدید مانند جهانی شدن، مدرنیته و رسانه‌ها تحت تأثیر قرار گرفته است. به نوعی پهلوانی رنگ باخته است و جای خود را به ارزش‌های جدیدی چون قهرمانی و کسب رتبه داده است. نفوذ جو قهرمانی به‌ویژه در میان جوانان موجب شده نسبت به اصول مردانگی و خصایص پهلوانی بی‌توجه شوند، نفوذ ارزش‌های جدید در چند نقطه دارای اشتراکاتی با مقوله تقابل قهرمانی و پهلوانی دارد، اما آنچه اهمیت دارد، تغییر نگرش و

بینشی است که در نتیجه رسوخ ارزش‌های جدید به وجود آمده که با ارزش‌های سنتی و جمع‌گرایی زورخانه در تعارض است. برای مثال گمنانی و عدم دنیاطلبی از جمله ارزش‌های سنتی این ورزش هستند که در نزد باستانی‌کاران امروز، به‌خصوص جوانان جایگاه جندانی ندارد. تلفیق با مذهب نمایانگر برجستگی هویت مذهبی زورخانه و زورخانه‌کاران است. مذهب شامل انواع مذاهب در ایران می‌شود، صرفاً مذهب شیعه مدنظر نیست و همان‌طور که اشاره شد، پایه این ورزش با دین زردشت و میتراسیم گره خورده و در ادامه مذهب اسلام و سایر آیین‌ها بر آن تأثیر گذاشته و بر غنای آن افزوده‌اند. در این مقوله مواردی شفاف‌سازی شدند که نماد آیین‌های مختلف هستند. برای مثال شکل گود، ساختمان خود زورخانه، مناسک و اذکاری که در زورخانه رایج است. در اینجا نیز ورزش باستانی از سویی تحت تأثیر پدیده‌های جدید است، چنانکه ردجین در تحقیق خود عنوان کرده بود: ورزش باستانی در حال گذار است بین سنت و مدرنیسم همین موجب شده با چالش‌هایی روبه‌رو شود (Ridgeon, 2007) از سوی هم به‌دلیل ریشه ورزش باستانی در هنر، دین (میتراسیم، زردشت و اسلام) و آیین جوانمردی، پدیده‌های نوظهور باخاستگاه کهن این ورزش هم‌جهت نیستند.

مقوله هسته این پژوهش که بعد از پالایش و تأمل عمیق در مقولات و داده‌ها به دست آمد و به تأیید مشارکت‌کنندگان نیز رسید، عبارت است از: زورخانه به‌مثابه یک نهاد اجتماعی رو به افول. هسته مقوله بر دو پدیده تأکید دارد: ۱. زورخانه به‌عنوان نهاد اجتماعی و ۲. نهادی رو به افول، بدین معنی که زورخانه به‌عنوان یک نهاد، ارزش‌های انسانی را در جامعه تقویت می‌کند. از کارکردهای زورخانه حفظ خصایل جوانمردی، حمایت از افراد ضعیف و آسیب‌دیده و سبک زندگی ساده در جامعه است. در واقع زورخانه کارکردهای اجتماعی به مراتب فراتر از یک نهاد صرفاً ورزشی داشته است. کنشگران زورخانه، یعنی باستانی‌کاران در طول تاریخ نقش‌های اجتماعی سازنده‌ای را بر دوش می‌کشیدند. از سوی دیگر زورخانه امروزه به‌عنوان یک نهاد اجتماعی فعال مانند گذشته در جامعه حضوری برجسته ندارد. به سخن دیگر، ارزش‌های سنتی حاکم بر زورخانه تحت تأثیر فرایند مدرنیزاسیون قرار گرفته‌اند. در واقع به آرامی ارزش‌های نوینی جایگزین ارزش‌های سنتی و اصیل زورخانه شده است. ارزش‌هایی چون جوانمردی، سادگی، گمنامی و خاکی بودن، جای خود را به ارزش‌های چون ثروت‌اندوزی، کسب شهرت و عدم توجه به مردانگی

داده است. از طرفی حمایت‌هایی که از این نهاد می‌شود به نظر می‌رسد بیشتر موجب تضعیف زورخانه شده است. مجموع این عوامل موجب شده کارکردهای مثبت زورخانه تضعیف شده و جایگاه حاشیه‌ای در جامعه پیدا کند. این امر خود نشان‌دهنده رو به افول رفتن زورخانه است. در واقع می‌توان چنین نتیجه گرفت که نقش زورخانه و باستانی‌کاری از یک نهاد اجتماعی - ورزشی مؤثر به یک نهاد ورزشی مدرن تقلیل یافته است.



فهرست منابع

الف) منابع فارسی

۱. اربابی، علی (۱۳۹۰). آیین پهلوانی جوانمردی و عیاری، تهران: زوار.
۲. انصاف پور، غلامرضا (۱۳۵۳). تاریخ و فرهنگ زورخانه و گروه‌های اجتماعی زورخانه‌رو، تهران: نشر مرکز مردم‌شناسی ایران.
۳. ایمان، محمدتقی (۱۳۹۱). فلسفه روش تحقیق در علوم انسانی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۴. عروج‌نیا، پروانه (۱۳۸۳). «ابوالحسن خرقانی و آیین جوانمردی»، مجله تاریخ و تمدن اسلامی، شماره شانزدهم: ۴۳-۱۹.
۵. فیلک، اووه (۱۳۸۷). درآمدی بر تحقیق کیفی، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی.
۶. کربن، هانری (۱۳۸۸). آیین جوانمردی، ترجمه احسان نراقی، تهران: نشر سخن.
۷. گودرزی، محمود (۱۳۸۳). «سیر تطور ورزش باستانی و زورخانه‌ای در ایران»، مجله حرکت، شماره ۲۲: ۱۷۰-۱۴۹.
۸. نیکویخت، محمد (۱۳۸۰). تربیت بدنی در آینه فرهنگ و ادبیات ایران، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی شهید بهشتی.

ب) منابع لاتین

1. Glaser, B. & Stauss, A. L. (1967). The Discovery of Grounded Theory; Strategies for Qualitative Research, New York: Aldin .
2. Ridgeon, L. (2007). The Zūrkhāna Between Tradition and Change, British Institute of Persian Studies .
3. Strauss, A. & Corbin, J (1998). Basics of Qualitative Research: Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory, 2nd ed. Thousand Oaks, CA: Sage Publications .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی